شهرآرا

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

۱۶ ۰۷ ۹۹

۴شنبه

۳۶ صفحه؛ ۱۲ صفحه+ ۴ صفحه ورزشی

+۴ صفحه کوله‌پشتی+ ۱۶ صفحه شهرآرا محله

شماره ۳۲۲۱ | ۱۰۰۰ تومان

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir



حدیث روز

بدرستی که شیعیان ما قلبشان از هر ناخالصی وحیله و تزویر پاک است.

امام حسین(ع)

رطوبت هوا ۲۶٪

۷° ↓ ۲۱° ↑

صبح ۱۳° | ظهر ۱۹° | عصر ۱۸° | شب ۱۱°

اذان ظهر ۱۱:۱۹ | غروب آفتاب ۱۷:۰۶ | اذان مغرب ۱۷:۲۴

نیمه شب شرعی ۲۲:۳۷ | اذان صبح فردا ۴:۰۹ | طلوع آفتاب فردا ۵:۳۳



حسین[ع] به آن‌ها گفت: «وعده‌گاهِ شما محلِ قبرِ من و آن زمینی باشد که در آنجا به شهادت می‌رسم و آن کربلاست. وقتی بدان‌جا وارد شوم نزدِ من آیید.»

طرح: علی معصوم‌بیگی| شهرآرا

کتاب «آه» / یاسین حجازی

بوستر روز

تو با منی اما...

برای لیـــلا حاتمی، به‌مناسبت تولدش



حبیبه جعفریان
نویسنده و روزنامه‌نگار

ابن‌سینا در کتاب قانون -که یک کتاب پزشکی است- بیماری عشق را یک نوع مالیخولیای پایدار می‌داند با نشانه‌هایی مثل پریدن پلک‌ها، نفس کشیدن نامنظم، خلق ناپایدار که به‌راحتی شخص را به گریه یا خنده می‌اندازد و نبض نامنظم. او کمی بعدتر، وقتی بحث درمان این بیماری پیش می‌آید، خیلی جدی تجویز می‌کند که «اگر عاشق و معشوق را با زنجیر ازدواج به‌هم پیوند دهند، بیماری به‌سرعت معالجه می‌شود». شکل دیگر این تجویز را قرن‌ها بعد در جمله‌های نیچه هم می‌شود پیدا کرد؛ اینکه «عشق سوءتفاهمی است که با ازدواج حل می‌شود».

با این حساب وقتی داریم درباره یک درام عاشقانه حرف می‌زنیم، باید بپرسیم درباره چه حرف می‌زنیم؟ شاید درباره نوعی از انبوه انواعی که می‌شود قصه «نرسیدن» را تعریف کرد. درام‌های عاشقانه، قصه‌هایی به ظاهر متفاوت از نرسیدن‌های بسیارند. اینکه اگر می‌رسیدند یا اگر برسند چه خواهد شد، قصه‌های بزرگ دیگری هستند با خصوصیات و ماهیتی دیگر. اما عاشقانه‌های بزرگ سینما و شاید ادبیات، همیشه قصه‌هایی درباره نرسیدن بوده‌اند؛ چیزی که مالیخولیای عشق با آن پایدار می‌ماند. تم «نرسیدن» اختراع یا محصول خلاقیت ذهن شرقی برای روایت عشق و عاشقی نیست. نرسیدن درواقع انتخاب ذهن شرقی برای ادامه داستان عشق و پایان‌بندی آن است. یک ذهنیت به قول روان‌شناس‌ها، مازوخیستی و به قول عارفان، «اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم»، در مقابل ذهنیتی که کاستن از رنج و افزودن بر لذت و سرخوشی و دم‌غنیمت‌شماری را ترجیح می‌دهد. اما این ذهنیت دم‌غنیمت‌شمار هم می‌داند که شاید بشود با دیرتر رسیدن‌ها هم عاشقانه‌هایی ساخت اما به‌هرحال اینجا تنها جایی است که هرگز نرسیدن، بهتر از دیر رسیدن است. اگر تعلیق، فانتزی، تخیل، شاعرانگی یا رمانتیزمی وجود دارد، به این خاطر است و برخلاف آن چیزی که در وهله اول به نظر می‌رسد، اروتیزم، آن اکسیر و آب حیاتی نیست که فیلم عاشقانه را آن چیزی می‌کند که باید باشد.

در فهرست‌هایی که هرچندوقت یک‌بار، مجلات یا سایت‌های معروف منتشر می‌کنند، بزرگ‌ترین عاشقانه‌های تاریخ سینما هنوز همان‌هایی هستند که احتمالا خودتان هم یادتان هست: کازابلانکا، برباد‌رفته، تعطیلات رومی، قبل از طلوع و قبل از غروب، گمشده در ترجمه، ازنفس‌افتاده، برخورد کوتاه، درخشش ابدی یک ذهن پاک، پل‌های مدیسن کانتی، دکتر ژیواگو. این‌ها همه قصه‌هایی درباره «نرسیدن»اند؛ قصه‌هایی که خیلی خوب تعریف شده‌اند.

مردی در پس‌زمینه‌ای که به شکلی بی‌انتها سفید و پربرف است، ایستاده است و سورتمه‌ای، عشق او، لارا، را که امیدی به داشتنش ندارد، از مقابل چشمانش دور و دورتر می‌برد. وقتی سورتمه دارد می‌رود که در افق گم شود، مرد با سرعت و اضطرابی مرگ‌آور به‌سمت پلکانی دایره‌ای می‌دود، پله‌ها را سه تایکی می‌رود و می‌رسد به آن بالای بالا؛ جایی که می‌تواند آخرین فریم‌های تصویر محبوبش را که در آن برف بی‌پایان و سرد، محو و محوتر می‌شود، ببیند. در این لحظه، دوربین نمایی از چشم‌های دکتر ژیواگو که غم جهان در آن‌ها هست، می‌گیرد و این نما کات می‌شود به صورت یک زن در تاریکی یک اتاق. زن نگاهش را از صفحه تلویزیون برمی‌دارد و با چشم‌های کشیده خیلی غمگینش زل می‌زند به صورت مردی که در همان تاریکی، کنار او نشسته و این صحنه را با او تماشا کرده است. در این پلان از لیلای مهرجویی، رضا و لیلا فقط به‌هم خیره می‌شوند، بدون هیچ کلامی. اما ما می‌دانیم که لیلا تصمیم عجیبش را برای اینکه شوهرش با موافقت او، زن دیگری را به زندگی‌اش راه بدهد، گرفته است و می‌دانیم که رضا با اینکه عاشق اوست، خواهد رفت. هروقت به عاشقانه‌ترین فیلم سینمای ایران فکر می‌کنم، یاد این صحنه می‌افتم. یاد چشم‌های لیلا که پر از اندوه، پر از غیرممکن و پر از عشق بودند.

صد کتاب قبل از صد سالگی ۸۶

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

پرسش

«همزه کلماتی مانند اصطفاء و اعطاء حذف می‌شود یا خیر؟»

پاسخ

در نگارش فارسی، همزه بعد از الف ممدوده (اء) حذف می‌شود.

- املا، امضا، انشا، اعطا، اطفا، اهدا ✓
- املاء، امضاء، انشاء، اعطاء، اطفاء، اهداء ✗

#زین_قند_پارسی

دانستنی

سیاره‌ای که ستاره ندارد



BGR

تصوری که از منظومه شمسی داریم، این است که این منظومه، عادی است اما واقعیت این است که در جهان هیچ چیز عادی نیست. نکات زیادی درباره سیارات، ستارگان، ماه‌ها و سایر اجرام وجود دارد که هیچ ترتیب مشخصی را برای این کیهان دربرابر سایر جهان‌ها ترسیم نمی‌کند. در این کیهان، «سیارات سرکشی» شناور هستند که از سیستم‌هایی که در آن‌ها تشکیل شده است، فرار کرده‌اند و فقط کار خودشان را انجام می‌دهند. در این راستا محققان موفق به کشف سیاره‌ای شدند که ستاره‌ای ندارد و آزادانه در فضا شناور است. این سیاره را دو گروه از محققان که یکی از آن‌ها با آزمایش لنزهای گرانشی نوری (OGLE) و دیگری با شبکه تلسکوپ میکرولنز کره‌ای (KMTN) کار می‌کردند، کشف کرده‌اند. سیاره یادشده نسبتا کوچک است و ستاره‌شناسان نمی‌توانند با قاطعیت فاصله آن را از زمین اعلام کنند.

علمی

برندگان جایزه نوبل فیزیک ۲۰۲۰

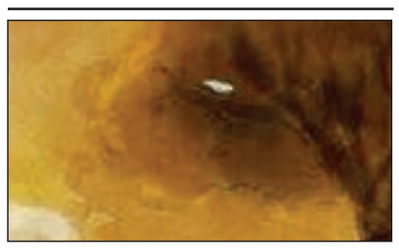


Nobelprize

«راجر پنروز» متولد سال ۱۹۳۱ در انگلیس، عضو دانشگاه آکسفورد در این کشور است. وی به‌دلیل کشف این موضوع که تشکیل سیاه‌چاله، عاملی در پیش‌بینی قدرتمند نظریه نسبیت عام است، موفق به دریافت نیمی از جایزه نوبل فیزیک امسال شد. «رینهارد گنزل» متولد سال ۱۹۵۲ در آلمان و عضو دانشگاه کالیفرنیا و موسسه فیزیک فرازمینی «ماکس پلانک» در آلمان است. «آندریا گز» متولد سال ۱۹۶۵ در آمریکا و عضو دانشگاه کالیفرنیا در این کشور است. این دو محقق به‌دلیل کشف یک جرم بسیار عظیم و متراکم در مرکز کهکشان راه شیری، به اشتراک برنده نیمی از جایزه نوبل فیزیک امسال شدند. آندریا گز چهارمین زنی است که از زمان اهدای نوبل فیزیک از سال ۱۹۰۱ تا به امروز، برنده این جایزه معتبر علمی می‌شود. از سال ۱۹۰۱ تا ۲۰۱۹ میلادی، جایزه نوبل فیزیک ۱۱۳ بار اهدا شده و به ۲۱۲ دانشمند تعلق گرفته است.

سینمایی

«باد پاییزی، باد بهاری، دو کبوتر» در مونترال



IRNA

«فیلم باد پاییزی، باد بهاری، دو کبوتر» در بخش فیلم‌های کوتاه چهل‌ونهمین جشنواره بین‌المللی سینمای نوین مونترال کانادا به نمایش گذاشته می‌شود. این فیلم، ساخته جدید صادق جوادی، از تولیدات ۲۰۲۰ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که اولین حضور بین‌المللی خود را تجربه می‌کند. فیلم‌نامه این پویانمایی کوتاه ده دقیقه‌ای را خود صادق جوادی نوشته است. در خلاصه داستان این فیلم کوتاه آمده است: «دختر منتظر رسیدن مرد است. کبوتر، نامه مرد را به او می‌رساند. مرد سوار کشتی می‌شود. طوفان پاییزی همه‌چیز را به لرزه درمی‌آورد. همه افسرده و ناامید هستند. کبوتر اما منتظر نمی‌ماند تا بهار فرارسد و جست‌وجو را آغاز می‌کند. او تلاش می‌کند...» چهل‌ونهمین جشنواره بین‌المللی سینمای نوین مونترال کانادا از ۷ تا ۱۸ اکتبر (۱۶ تا ۲۷ مهر) برگزار می‌شود.



عکس روز

اکران‌های شهری به مناسبت اربعین حسینی

عکس: حسین شریعت| فوتوشهر

اربعین و پیوند معرفتی با سیدالشهدا(ع)

نگاه هشتم

غلامرضا بنی اسدی

غریبانه است این اربعین. بعد سال‌ها که خیل زیادی از ایرانیان، هم‌پای عاشقان حسینی از دیگر بلاد، قدم‌قدم به‌سوی حرم ارباب می‌رفتند، امسال باید در خانه بمانند. حسرت‌انگیز است برای همه؛ به‌ویژه آنانی که طعم شیرین عشق را در سلوکی اربعینی تجربه کرده‌اند. حسرت‌انگیزتر می‌شود وقتی تلویزیون، حرکت عراقی‌ها را به‌سوی کربلا نشان می‌دهد. انگار از عمق جان می‌خواند مداح این نوا را: من ایرانم و تو عراقی / چه فراقی، چه فراقی... // تمام جوونیم فدای سر ساقی / چه فراقی، چه فراقی // واقعا هم سخت است این فراق و شاید -البته- همین هم یک امتحان باشد برای قبیله عشق که در هجران چگونه حسین را می‌خوانند. هندسه بهتر خواندن را رهبر انقلاب به صریح‌ترین کلمات فرمودند بعد از نهی آشکار برای نرفتن به مرزها؛ «در خانه، زیارت‌های وارده برای اربعین را بخوانیم.» درست هم همین است. وقتی کرونا، سلامتی را می‌تراشد، وقتی مدافعان سلامت، جان می‌گذارند برای سلامتی جامعه، شرط انصاف این است که مراعات کنیم و مراعات کنیم و مراعات کنیم. فکر می‌کنم منطقی‌ترین رفتار متناسب با شرایط، مومنانه‌ترین رفتار هم هست و بی‌شک رفتار مومنانه هم حسینی است. به گمانم اگر قرار بود حضرت حسین(ع) در حرم بنشینند و مردم را به حضور بخوانند، باز با توجه به شرایط امروز حکمشان در خانه ماندن بود. با جان سلامت، هزار بار بیشتر می‌توان مفید بود برای جامعه، موثر بود در ترویج فرهنگ و احیای امر امامت. پس تلاش کنیم با نگهبانی از سلامت خود، فرصت سربازی در جبهه معرفتی سیدالشهدا را از دست ندهیم. در خانه بمانیم و با زیارت اربعین، پیوند عقیدتی خود را با سیدالشهدا محکم کنیم.

۱۶ مهر ۱۳۰۲

تاریخ‌نگار

بازداشت قوام به دستور سردار سپه



رضا سلیمان نوری
تاریخ‌پژوه و روزنامه نگار

پهلوی اول هرچه از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی می‌گذشت، صندلی خود را محکم‌تر می‌کرد. او و حلقه یاران نزدیکش به سایر سیاستمداران و فعالان اجتماعی و نظامی ایران به چشم ابزار نگاه می‌کردند. بر این اساس، افرادی چون کلنل پسیان و سیدحسن مدرس، یا معامله‌پذیر نبودند و باید به‌مرور زمان از سر راه برداشته می‌شدند یا اهل معامله بودند که در این صورت تا زمانی که کارایی داشتند، عنصر مطلوب محسوب می‌شدند و سردار سپه از خدمات آنان بهره می‌برد و هنگامی هم که دیگر چیزی برای عرضه نداشتند، هرکدام با کم‌خطرترین شیوه ممکن از صحنه سیاست ایران محو می‌شدند. البته این روش را سردار سپه در دوران شاه شدن خود، درباره یاران نزدیکش چون داور و تیمورتاش نیز ادامه داد و با آنان همان‌گونه برخورد کرد که در سال‌های قبل به مدد ایشان با دیگر اهل سیاست برخورد می‌کرد. در این بین بودند سیاستمدارانی که هرچند مغضوب پهلوی اول بودند، شاید بدان دلیل که تکیه‌گاه مشترکی با وی داشتند، از دم تیغ نگذشتند و با به حاشیه رانده شدن، ذخیره روزهای مبادای حامی اولیه به سلطنت رسیدن سردار سپه یعنی بریتانیا شدند. شاخص‌ترین این افراد، فروغی و قوام بودند که این دومی، درست در روزی چون امروز از سال ۱۳۰۲ خورشیدی یعنی ۱۶ مهر، از قطار همراهی با سردار سپه وقت و پهلوی اول سال‌های بعد، به بیرون پرت شد؛ پرت‌شدنی که به بهانه توطئه وی -که آن زمان نماینده مجلس شورای ملی بود- و جمعی دیگر، به‌دلیل قتل وزیر جنگ، صورت گرفت، اما چون حامی سیاسی هر دو نفر یک مجموعه بود، تنها به زندانی شدن چندروزه قوام در پادگان عشرت‌آباد تهران ختم شد تا پس از آن با پادرمیانی ظاهری آخرین شاه قاجار، او راهی اروپا البته به‌عنوان تبعید شود؛ تبعیدی که پس از تغییر سلطنت و شاه شدن سردار سپه، به پایان رسید و هم او و هم برادرش وثوق‌الدوله با استقبال و تکریم پهلوی اول به تهران بازگشتند، با این تفاوت که وثوق بعدها وزیر و وکیل شد، اما قوام با کسب اجازه به لاهیجان رفت و به کشاورزی و برنج‌کاری و چای‌کاری مشغول شد تا پس از شهریور ۱۳۲۰ به کار آید.

سیمای فرزانگان



حجت‌الاسلام محمدرضا زائری
پژوهشگر دینی

یکی از کتاب‌هایی که در نوجوانی و جوانی‌ام به‌عنوان کتاب بالینی با آن انس بسیار داشتم، کتاب ارزشمند «سیمای فرزانگان» بود. این کتاب که دراصل برای جوانان طلبه و دانشجو نوشته شده بود، پس از انتشار با استقبال عمومی روبه‌رو شد و چنان مورد توجه قرار گرفت که تاکنون ۲۶ بار چاپ شده است.

نویسنده آن، استاد رضا مختاری که از پژوهشگران و نویسندگان نامدار حوزه‌اند، این کتاب را به‌عنوان نخستین کار خود در بیست‌سالگی تألیف کرده‌اند، ولی با اینکه پس از آن تالیفات متعدد داشته‌اند و همواره آثار تالیفی و تحقیقی‌شان در جشنواره‌های مختلف به‌عنوان اثر برگزیده معرفی می‌شود، هنوز هم بسیاری، ایشان را به همین کتاب می‌شناسند.

نویسنده با ذوق و دقتی ستایش‌شدنی به جست‌وجوی منابع متنوع و متعدد پرداخته و نمونه‌های جذاب و اثرگذار از احوال و زندگی‌های رشک‌انگیز و درس‌آموز عالمان بزرگ دینی را گرد آورده است.

استاد علامه محمدرضا حکیمی درباره این کتاب نوشته‌اند: «نمونه‌هایی از تعهدگرایی و تکلیف‌شناسی برخی از عالمان اسلامی را در این‌باره ارائه داده است.». و استاد دکتر احمد مهدوی دامغانی ضمن تجلیل بسیار از نویسنده کتاب، آن را «کتاب دم‌دستی خیلی خوبی» دانسته‌اند که می‌توان برای استفاده‌های اخلاقی و ارشادی همواره به آن مراجعه کرد.

نویسنده در آغاز مقدمه چاپ نخست کتاب، هدف خود از تالیف آن را چنین بیان می‌کند: «سیمای فرزانگان متضمن راهنمایی‌ها و پندهایی است به طلاب علوم دینی و دانش‌پژوهان که با استفاده از گفتار و کردار بزرگان، راه و رسم زندگی علمی، تحصیل دانش، برخورد با اجتماع، معاشرت با خویشان و دوستان، استقامت در برابر فقر اقتصادی و ناملایمات و مطالبی دیگر از این قبیل را به آن‌ها می‌آموزد. برای دست یافتن بدین منظور، ما سراغ علما و دانشمندان بزرگ رفته و این مطالب را از لابه‌لای صفحات زندگی آنان به‌دست آورده و داستان‌هایی که در این مسائل داشته‌اند، دسته‌بندی کرده و در اینجا آورده‌ایم».

کتاب ۱۶ بخش دارد که از بحث «تهذیب نفس» شروع می‌شود و با موضوعات متنوعی چون «تواضع و فروتنی» ادامه پیدا می‌کند و با عنوان «آگاهی، بیداری و ستیز با ستمگران» پایان می‌یابد.

تنوع داستان‌ها و محتوای کتاب، خلاصه و مختصر بودن حکایات، ساده و قابل استفاده بودن برای جوانان و عموم خوانندگان، از یک طرف و اتقان مطالب و تاکید بر مستند بودن نکات و دوری از خواب و خرافات و کراماتی که بی‌پایه و اساس علمی و عقلی شهرت یافته‌اند، از طرف دیگر، موجب شده است که این کتاب نسبت به برخی آثار دیگر در این زمینه، تمایز جدی و در خور توجهی پیدا کند و حتی ترجمه آن در فضای مخاطبان عرب‌زبان هم خواهان و خواننده داشته باشد.



شاید مهم‌ترین نکته درباره کتاب آن باشد که وارستگی‌های شخصیتی و فضایل اخلاقی را در سیمای فرزانگان و دانشمندانی به تصویر می‌کشد که افرادی معمولی و عادی بوده‌اند و از همین شهرها و روستاهای اطراف ما برخاسته‌اند، پس خواننده نمی‌تواند بگوید آن‌ها مانند معصومان و اولیای خدا، افرادی خاص و برگزیده‌اند و نمی‌شود مثل آن‌ها بود و به زندگی و سلوک و رفتارشان اقتدا کرد.

اگر آن بهانه و تردید، درباره زندگی پیشوایان دین مطرح باشد و بتوان آنان را فراتر از دسترس افراد معمولی قلمداد کرد، درباره فرزانگان و عالمان راستین نمی‌شود چنین گفت و باید پذیرفت که آن‌ها الگوها و اسوه‌هایی هستند که می‌توان در مسیر زندگی به آنان اقتدا کرد و سیمای آن فرزانگان را چراغ راه و تابلوی راهنمای رفتار و گفتار خود دانست.